

بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته

دکتر مهرداد رایجیان اصلی*

چکیده

حمایت از بزه‌دیده به منزله رویکردی مثبت نگر در حوزه بزه‌دیده‌شناسی، دستاورد پیوند یافته‌های بزه‌دیده‌شناسانه با سیاست جنایی در پرتو مفهومی به نام «پیشگیری» است. در این دیدگاه، حمایت از بزه‌دیده یا بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، رهیافتی نو برای «پیشگیری از بزه‌دیدگی» است که در کنار مقوله «پیشگیری از بزه‌کاری» دو ضلع سیاست جنایی را تشکیل می‌دهند. این مقاله بر پایه این واقعیت که تأثیر یافته‌های علمی و مطالعات نظری در امر سیاست‌گذاری گریزناپذیر و مسلم به نظر می‌رسد، تصویری از این رهیافت نو را در پرتو ارائه مفهومی ساده از بزه‌دیده، حقوق او و حمایت‌هایی که در چارچوب یک نظام عدالت جنایی بزه‌دیده‌مدار باید برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخت، می‌نمایاند.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، بزه‌دیدگی، بزه‌دیده‌شناسی، حقوق بزه‌دیده، حمایت از بزه‌دیده، سیاست جنایی، عدالت جنایی.

مقدمه

یکی از ویژگیهای برجسته آموزه‌های کیفری در سالهای گذشته، افزایش توجه به جایگاه بزه‌دیده در عدالت جنایی بوده است. این نگرش نه تنها به دگرگونی اندیشه‌ها، از رویکردی کلاسیک به رویکردی جامعه‌شناسانه، باز می‌گردد، بلکه با این حقیقت پیوند می‌خورد که اگر حقوق کیفری به نیازهای بزه‌دیدگان توجه نکند، نمی‌تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند و کارایی لازم را در مبارزه با جرم و کنترل بزه‌کاری داشته باشد. در این میان، بزه‌دیده‌شناسی، به منزله دانش مطالعه بزه‌دیده، تلاش می‌کند تا راهی به شناخت علتها و آثار بزه‌دیدگی بیابد. بر همین پایه، هدف بزه‌دیده‌شناسی حمایتی - یعنی، عنوانی که برای رهیافت مورد نظر در این مقاله برگزیده شده - یافتن پاسخی سودمند و کارآمد برای آثار بزه‌دیدگی گذشته و پیشگیری از بزه‌دیدگی آینده است. بدین سان است که در این مقاله، یافتن چنین پاسخی، نخست در گرو به رسمیت شناختن بزه‌دیده - به منزله یک واقعیت موجود - و سپس، در نظر گرفتن و پیش‌بینی حقوقی مشخص برای او در چارچوب یک الگوی حمایتی چندگانه دانسته شده است؛ الگوی مهمی که دولت باید در جهت‌گیریهای تقنینی، قضایی و اجرایی خود آن را در سیاست‌گذاریهای حکومتی به منزله یک سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار بگنجاند.

بدین ترتیب، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یکی از شاخه‌های بزه‌دیده‌شناسی است که بر پایه یک رهیافت نوآورانه، پیشگیری از بزه‌کاری را در پیشگیری از بزه‌دیدگی از رهگذر حمایت از بزه‌دیدگان جستجو می‌کند. پیشگیری از بزه‌دیدگی در این رهیافت یکی از دو ضلع سیاست جنایی، یعنی تدبیر و چاره‌اندیشی در چگونگی پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه، است. گونه‌گونی لایه‌های سیاست جنایی (شامل لایه تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی) به ترسیم یک الگوی حمایتی چندگانه می‌انجامد که هر یک از جنبه‌های آن از رهگذر یکی از این لایه‌ها به حمایت از بزه‌دیدگان جامه عمل می‌پوشاند. در مقاله‌ای که پیش‌رو دارید، مطالعه رهیافت حمایت از بزه‌دیده نخست در گرو شناخت بزه‌دیده و گونه‌شناسی آن دانسته شده است. یعنی، به باور نگارنده، هر حمایتی از بزه‌دیده نخست نیازمند به رسمیت شناختن او از رهگذر ارائه یک تعریف تا اندازه امکان‌کامل، و سپس شناسایی گونه‌های خاص بزه‌دیدگان است. تعریف بزه‌دیده به شناخت آثار گونه‌گون بزه‌دیدگی کمک می‌کند که خود، شرط لازم برای یافتن راههای گوناگون جبران این آثار است. وانگهی، به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان سنگ بنای حقوقی مشخص برای

آنان - از بنیادی‌ترین حق آدمی، یعنی «احترام به کرامت انسانی بزه‌دیده» تا اساسی‌ترین حق ویژه بزه‌دیده، یعنی «حق جبران آثار بزه‌دیدگی» - را در چارچوب نظام عدالت جنایی می‌نهد. از این روست که باید گفت به رسمیت شناختن حقوق بزه‌دیده در گرو به رسمیت شناختن خود بزه‌دیده است. سرانجام، برای آنکه شناخت بزه‌دیده رنگ واقعیت به خود بگیرد و احقاق حقوق او جامعه عمل به خود بپوشد، بنیادهای نظری یک الگوی چندگانه حمایت از بزه‌دیدگان را باید در چارچوب یک سیاست جنایی بررسی کرد تا بدین‌سان برای سیاست‌گذاران جنایی و دست‌اندرکاران عدالت جنایی بهتر و بیشتر لمس شدنی و درک‌پذیر باشد.

الف. بزه‌دیده: مفهوم، تعریف و گونه‌ها

۱. مفهوم بزه‌دیده و تعریف آن

بزه‌دیده^۱ شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان یا رنج و آزار می‌بیند. واژه Victim در نوشتگان پارسی به معنای «قربانی» به کار رفته است^۲. در نوشتگان علوم جنایی، هر گاه این آسیب و زیان یا رنج و آزار از رفتار مجرمانه انسان برخاسته باشد، به فرد زیان دیده «قربانی جرم» یا «بزه‌دیده» می‌گویند. بر این پایه، بزه‌دیده را می‌توان چنین تعریف کرد: «بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، در رنج عاطفی زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد»^۳. بر پایه این تعریف: نخست، واژه «شخص»^۴ در این تعریف دربردارنده شخص حقیقی و نیز شخص حقوقی است؛

دوم، واژه «بزه‌دیده» هم دربردارنده بزه‌دیدگان مستقیم و هم بزه‌دیدگان نامستقیم است. به دیگر سخن، این واژه نه تنها خود بزه‌دیده (بزه‌دیده مستقیم)، بلکه خانواده بی‌واسطه (درجه یک) یا وابستگان بزه‌دیده مستقیم و شخصی را که در جریان کمک به بزه‌دیدگان مصیبت دیده یا

1. victim of crime

۲. نک: حسن انوری. فرهنگ فشرده سخن؛ ج ۲، ص ۱۷۰۸.

۳. در پاراگراف نخست «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» (از این پس، اعلامیه ۱۹۸۵) پیوست قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۹ نوامبر ۱۹۸۵) به «فردی یا گروهی» بودن این آسیب دیدگیها نیز اشاره شده است. برای دیدن متن برگردان این اعلامیه نک: مهرداد رایجیان اصلی. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی: صص ۱۶۰ و ۱۶۶.

4. person.

در جریان پیشگیری از بزه‌دیدگی به آسیب دچار می‌شود، (بزه‌دیدگان نامستقیم)، نیز در بر می‌گیرد؛^۱

سوم، گذشته از اینکه مرتکب عمل شناسایی، دستگیر، پیگرد یا محکوم شده باشد یا نه، و گذشته از پیوند خانوادگی میان مرتکب و بزه‌دیده، شخص ممکن است بزه‌دیده انگاشته شود.^۲ به دیگر سخن، شخص بزه‌دیده در این موارد شایسته حمایت و جبران آثار بزه‌دیدگی خویش است.

۲. گونه‌های خاص بزه‌دیدگان

بسیاری از کشورها با توجه به مشکلاتی که بزه‌دیدگان از جهت آثار بزه‌دیدگی یا دسترسی‌شان به عدالت با آن روبه‌رو هستند، به حمایت ویژه از گونه‌های خاصی از بزه‌دیدگان، مانند زنان، کودکان، سالمندان، ناتوانان، بزه‌دیدگان جرم‌های جنسی، بزه‌دیدگان خشونت خانگی، بازماندگان قتل و مانند آن پرداخته‌اند.^۳ این حمایت ویژه ممکن است شکل‌های گوناگونی، مانند حمایت مالی، حقوقی، عاطفی و پزشکی داشته باشد. گونه‌شناسی مهمترین گروه‌های خاص بزه‌دیدگان به شرح زیر است.

۲-۱. بزه‌دیدگی زنان بر پایه جنسیت

بر پایه یافته‌های جرم‌شناسانه، زنان نه تنها کمتر از مردان جرم مرتکب می‌شوند، بلکه میزان بزه‌دیدگی‌شان نیز به طور کلی کمتر است.^۴ با وجود این، بزه‌دیدگی زنان در پاره‌ای از جرم‌ها - به دلیل ماهیت خاص این جرم‌ها - بالاست. جرم‌های جنسی - با تأکید بر تجاوز جنسی - و خشونت‌های خانگی - بویژه، همسرآزاری - نمونه‌های برجسته‌ای از این جرم‌ها به شمار می‌روند. در این میان، نباید، موضوع «رقم سیاه بزه‌کاری» را نادیده گرفت، زیرا مطالعات نشان می‌دهند که رقم سیاه این جرم‌ها بسیار بالاست. ارتباط میان بزه‌کار و بزه‌دیده، حفظ آبرو و حیثیت، ترس از انتقام جویی بزه‌کار، ترس از برخورد دستگاه عدالت جنایی و نگاه جامعه به رویداد جنایی، از

1. Guide for Policy Makers on the Implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles of Victims of Crime and Abuse of Power, p.15.

2. Ibid.

3. Ibid: P.16.

۴. در این زمینه، نک: محمد مهدی خاکپور، جرم‌شناسی زنان؛ صص ۷۸ و ۹۸.

جمله دلیلهایی است که می‌توان برای این رقم سیاه که معمولاً از گزارش نکردن جرم‌های یاد شده به پلیس حاصل می‌شود، برشمرد. وانگهی، در جرم‌های جنسی ممکن است رویداد جنایی اصولاً مجرمانه یا یک تجاوز واقعی انگاشته نشود. این موضوع بویژه زمانی درست است که مرد مرتکب بیگانه نباشد.

در کنار نقشی که رقم سیاه در میزان بزه‌دیدگی زنان دارد، آسیب‌پذیری زنان را - برپایه معیار جنسیت - نیز باید در این بزه‌دیدگی مهم دانست. این موضوع بویژه در جرم‌های مالی (مانند سرقت) اهمیت می‌یابد. در این جرم‌ها، زنان معمولاً آماج‌های مناسبی برای بزه‌کاران انگاشته شده و چنانچه خود نیز در ایجاد وضعیت پیش‌جنایی نقش داشته باشند، به آسانی بزه‌دیده می‌شوند.

آسیب‌پذیری زنان که بیش از هر چیز در بزه‌دیدگی آنان نقش دارد، زنان بزه‌دیده را شایسته حمایت‌های ویژه‌ای می‌سازد. این حمایت‌ها با توجه به ماهیت خاص جرم‌های ارتكابی نسبت به زنان ویژگی‌هایی دارد که بیشتر در پرتو کمک‌های روانی - عاطفی نمود پیدا می‌کنند. (نک: بند پ - ۴، ص ۱۳۶)

۲-۲. بزه‌دیدگی کودکان^۱ به دلیل کودکی

آسیب‌پذیری فرد از نظر سن نه تنها در یکی از شاخه‌های حقوق کیفری فنی یا خاص (یعنی حقوق کیفری کودکان و نوجوانان^۲) جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه موضوع یکی از شاخه‌های سیاست جنایی افتراقی است. در حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، کودک و نوجوان موجود انسانی کاملی دانسته می‌شود که از نظر ویژگی‌های بدنی، روانی و شخصیتی با بزرگسالان متفاوت است. این تفاوت او را بیش از بزرگسالان در برابر کژروی و بزه‌کاری آسیب‌پذیر می‌سازد. آسیب‌پذیری فرد یکی از معیارهای اصلی طبقه‌بندی در بزه‌دیده‌شناسی است که در یکی از این طبقه‌بندی‌ها، کودکان و نوجوانان بزه‌دیده برپایه معیار آسیب‌شناسانه سن از بزرگسالان بزه‌دیده جدا می‌شوند. پیامد چنین دیدگاهی عبارت بود از دگرگونی نگرش‌ها در چگونگی برخورد با

1. child victims

۲. برای آگاهی بیشتر نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، «از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صفار»، دیباچه در: مریم عباچی، حقوق کیفری اطفال (در اسناد سازمان ملل متحد)، صص ۹ تا ۱۱.

بزه‌کاری کودکان و نوجوانان که به پیدایش شاخه نوینی در سیاست جنایی به نام سیاست جنایی افتراقی کودکان و نوجوانان انجامید.^۱

این گرایش نو بر به کارگیری تدابیر ویژه نسبت به کودکان و نوجوانان تاکید می‌کند؛ تدابیری که با داشتن ویژگیهای آموزشی - پرورشی، به حمایت از این قشر آسیب‌پذیر در برابر کژروی و بزه‌کاری جهت یافته - اند. همسو با این تحولات، مقررات بین‌المللی که در اسناد الزام‌آوری مانند کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ - سازمان ملل) بازتاب یافته‌اند، بر حمایت ویژه از کودکان و نوجوانان و به کارگیری تدابیر آموزشی - پرورشی و بازپرورانه تاکید می‌کنند. برای نمونه، ماده ۳۹ این کنوانسیون کشورهای عضو را متعهد می‌سازد که همه اقدامهایی را که برای تسریع بهبودی بدنی و روانی کودک بزه‌دیده لازم است، به کار بندند.

۳-۲. بزه‌دیدگی سالمندان^۲ به دنبال سالمندی

بدرفتاری با سالمندان یکی از تازه‌ترین گونه‌های خشونت خانگی^۳ در حوزه مطالعات بزه‌دیده‌شناسانه است. موضوع سالمندان بزه‌دیده تا پیش از دهه ۱۹۸۰ میلادی جایگاه شایسته‌ای در مطالعات بزه‌دیده‌شناسان نداشت. کودک‌آزاری و همسرآزاری در میان گونه‌های خاص بزه‌دیدگی بیش از هر موضوع دیگری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی کانون توجه بودند. با آغاز دهه ۱۹۸۰، شماری از متخصصان و دانشمندان - بویژه جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و جرم‌شناسان - به مطالعه پدیده سالمندآزاری و علل بزه‌دیدگی سالمندان و راههای پیشگیری از آن پرداختند. به دنبال این تلاشها، برخی از نهادها و سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی - بویژه، شورای اروپا و سازمان ملل متحد - با برگزاری چند کنفرانس و صدور توصیه‌نامه‌هایی به این موضوع پرداختند.^۴

از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی، این باور وجود دارد که سالمندان بویژه در مورد خشونت‌هایی که تجربه می‌کنند، نقش و حتی تقصیری ندارند.^۵ بزه‌دیدگی سالمندان بیشتر به جرمهایی مانند

۱. مهرداد رایجیان اصلی، *موقعیت اطفال بزهکار - بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران*، صص ۴ و ۵.

2. elder victims.

3. domestic violence.

4. Spinellis, C.D. and Pitsiou - Darrough, I.; Elder Abuse in Greece: A Descriptive Study; p. 313.

۵. لیز، ژرار و ژینا فیلیزولا، *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، ص ۴۹.

ضرب جرح یا آزارهای عاطفی و روانی - شامل تهدید، تحقیر، طرد و آزارهای جنسی - مربوط است.^۱ البته، برپایه برخی گزارشها، میزان بزه‌دیدگی سالمندان در جرمهای مالی - مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت - نیز بالاست.^۲ از آنجا که سالمندان ممکن است به دنبال گردآوری پس‌اندازهای بیشتری برای زندگی‌شان باشند، نسبت به این جرمها آسیب‌پذیرترند. به دیگر سخن، سالمندان از یک سو، چون به طور عمده حسابهای پس‌انداز در خور توجهی دارند و از سوی دیگر، از آنجا که ترس از پاره‌ای پدیده‌های اقتصادی، مانند تورم، توان خرید آنان را کم می‌کند، بیشتر در آستانه ناامنی و بزه‌دیدگی قرار دارند.^۳

نکته مهمی که از پژوهشهای انجام شده درباره بزه‌دیدگی سالمندان می‌توان به دست آورد، این است که میان بزه‌دیدگی واقعی و ترس از بزه‌دیدگی از نظر روانی تفاوت چندانی وجود ندارد. هراس فراوان از جرم خود به تنهایی نشان‌دهنده یک توانش بزه‌دیدگی ساختاری بالاتر^۴ (یعنی بزه‌دیدگی از رهگذر جامعه، فرهنگ، دولت، نظام عدالت جنایی و مانند آن) است. باری، اگر شهروندان، به طور کلی و سالمندان، به طور خاص، از حق آرامش فکری (یعنی نداشتن نگرانی و ترس غیر ضروری) بهره‌مند باشند و اگر جامعه را بتوان به گونه‌ای ساخت که تعامل هماهنگ میان شهروندان و شیوه‌های کنترل روانی، به بخشی از تجربه‌های آزمودنی طبیعی تبدیل شود، در آن صورت فرد در فرآیند جامعه‌پذیری قرار می‌گیرد^۵ و در غیر این صورت، آسیب‌پذیری و خطر بزه‌دیدگی یا ترس از آن در فرد افزایش پیدا می‌کند.

۴-۲. بزه‌دیدگی ناتوانان^۶ به دنبال ناتوانی بدنی یا روانی

ناتوانی بزه‌دیدگان یکی دیگر از تازه‌ترین ملاکهای آسیب‌شناسانه برای حمایت از بزه‌دیدگان خاص است. ناتوانی در واژه‌شناسی یعنی «توانایی انجام کاری را از دست دادن» یا «بیمار شدن و ضعیف شدن».^۷ از دیدگاه تاریخی، سندهای به دست آمده وضعیت ناتوانان را در جوامع

1. Ibid.

۲. در این مورد، نک: خبیری با این عنوان «بهبوشی زوج سالمند برای سرفقت، روزنامه شرق، ش ۲۵۶، چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۳، ص ۱۳.

3. Miyazawa, K. and Fuller Cook(s): *Victimization of Elderly Persons in Japan*: p. 348.

4. a higher structural victimization potential.

5. Ibid: P. 353.

6. disabled victims.

۷. حسن انوری، منبع پیشین: ص ۲۳۷۳.

گونه‌گون متفاوت نشان می‌دهند. مصریان باستان نخستین کسانی دانسته شده‌اند که نه تنها به علت‌شناسی و ریشه‌یابی ناتوانی و درمان آن، بلکه به وضعیت رفاهی و اجتماعی ناتوانان گرایش نشان می‌دادند.^۱

در یونان باستان، برعکس، ناتوانان - بویژه، کودکان ناتوان - در کوهستانها رها یا به رودخانه‌ها سپرده می‌شدند تا از این رهگذر راه دستیابی به هدف اصلاح نژاد و داشتن ملتی تندرست و نیرومند هموارتر شود.^۲ وضعیتی مشابه را درباره ناتوانان در دوران میانه و نیز در حقوق باستان فرانسه می‌توان دید. در دوران میانه، بیماران روانی دارای یک حالت شیطانی دانسته می‌شدند. در دوران استبداد فرانسه نیز، بیماران روانی و دیوانگان دارای مسؤولیت کیفری انگاشته می‌شده و به کیفر می‌رسیدند.^۳

با این همه، نگرش دینهای آسمانی (بویژه، زرتشت، مسیحیت و اسلام) به ناتوانان همواره مثبت بوده است؛ به گونه‌ای که در این دینها به توصیه‌هایی چون رفتار انسانی با عقب‌ماندگان ذهنی یا برچیدن سنت کشتن کودک ناتوان همواره تاکید می‌شده است.^۴

در سده‌های هجدهم تا بیستم، توجه به ناتوانان به تدریج جنبه بین‌المللی پیدا کرد تا آنجا که پیامد این توجه در سندهای حقوق بشری مهمی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹)، اعلامیه حقوق ناتوانان (۱۹۷۵)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و مجموعه قواعد استاندارد برای ناتوانان (۱۹۹۳) بازتاب یافت.^۵

تلاشهای بین‌المللی پیش گفته سبب شد تا مفهوم ناتوانی به قلمرو بزه‌دیده‌شناسی نیز کشانده شود. در بزه‌دیده‌شناسی، ناتوانی ملاکی آسیب‌شناسانه برای شناساندن دسته‌ای خاص از بزه‌دیدگان است، بی‌آنکه از جهت نارساییها، محدودیتها یا محرومیتهایی که به آن دچارند، تمایزی میانشان برقرار باشد.

براین پایه، ناتوانان بزه‌دیده کسانی‌اند که به علت از دست دادن توانایی انجام کار یا دچار بودن به یک نارسایی یا بیماری بدنی یا روانی بزه‌دیده می‌شوند. بزه‌دیده ناتوان ممکن است یک

۱. محمد کمالی، و فریبا ایران، مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۱۰۴.

۳. عبدالحسین علی‌آبادی، حقوق جنایی، ج ۱، صص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۴. محمد کمالی، و فریبا ایران: منبع پیشین؛ ص ۱۰۴.

۵. همان، ص ۱۰۴.

عقب‌افتاده ذهنی یا کندذهن، یک معلول یا جانباز جنگی، یا یک نابینا یا ناشنوا باشد که این وضعیت روانی یا بدنی او را چنان آسیب‌پذیر می‌سازد که سرانجامی جز بزه‌دیده شدن برای او به همراه ندارد.

ب - حقوق بزه‌دیدگان

بزه‌دیدگان شایسته بهره‌مندی از حقوقی در فرآیند جنایی‌اند تا بتوانند بهتر در جهت دسترسی به عدالت و جبران آسیبها و زیان‌دیدگیهای خود اقدام کنند. فهرست مهمترین حقوق بزه‌دیدگان به شرح زیر است:

۱. رعایت احترام و منزلت بزه‌دیده

احترام به کرامت انسانی یکی از حقوق بنیادی بشر به شمار می‌رود که برپایه آن با انسان باید گذشته از باورها، رنگ، نژاد، متهم یا بزه‌کار بودن یا نبودن، با احترام و رعایت شأن و منزلت انسانی او رفتار کرد و بزه‌دیده نیز از این اصل مسلم و آشکار بیرون نیست. در اعلامیه ۱۹۸۵، پس از تصریح به اینکه «مقررات پیش‌بینی شده در این اعلامیه باید بدون هیچ تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، دین، ملیت، باور سیاسی یا هر باور دیگر، آداب و رسوم فرهنگی، دارایی، موقعیت تبار یا خانواده، خاستگاه قومی یا اجتماعی، و ناتوانی (بدنی یا روانی) درباره همه اشخاص اجرا شود» (پاراگراف ۳)، تاکید شده که «رفتار با بزه‌دیدگان باید همراه با همدردی و احترام به شأن آنان باشد» (پاراگراف ۴). وانگهی، هرگاه بزه‌دیده به دلایلی مانند نژاد، سن، جنس، ناتوانی بدنی یا روانی، وضعیت جنسی و مانند آن در آستانه آسیب‌پذیری باشد، رعایت احترام و توجه ویژه به او اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.^۱ براین پایه، رفتار همه کسانی که به گونه‌ای با بزه‌دیدگان در ارتباطند، باید محترمانه، دلسوزانه، بی‌طرفانه و همراه با همدردی و رازداری باشد. این وظیفه همه افراد، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، ملی و بین‌المللی را که به گونه‌ای با بزه‌دیدگان در ارتباطند در بر می‌گیرد.^۲ اگر این افراد و نهادها از انجام این وظیفه سرباز زنند، به گونه‌ای که با بی‌احترامی و رفتار نامناسب با بزه‌دیدگان حقوق اخلاقی - انسانی آنان را

1. *A Review of The Victims Charter*, Attorney General: P.31.

2. Lawlink: NSW: *Charter of Victims Rights Resource Kit*:P.2.

پایمال کرده، نادیده بگیرند، آسیب دیگری از پس بزه‌دیدگی نخستین آنان رخ می‌نماید که از آن به «قربانی شدن دومین» یاد می‌کنند. قربانی شدن دومین آسیبی است که نه به دنبال پیامد مستقیم رفتار مجرمانه بلکه از رهگذر رفتار و پاسخگویی نامناسب این افراد و نهادها روی می‌دهد و گاهی ممکن است به نادیده گرفتن کامل حقوق انسانی بزه‌دیدگان - بویژه، بزه‌دیدگان خاصی که پیشتر نام بردیم^۱ - بینجامد.^۲

۲. ارائه دیدگاهها و نگرانیهای بزه‌دیده

بزه‌دیده باید حق داشته باشد تا دیدگاهها و نگرانیهای خود را در مرحله‌های گونه‌گون فرایند جنایی - بویژه درباره آثار جرم بر خود و زمانی که در منافع شخصی اش مؤثر است - بیان کند. در اعلامیه ۱۹۸۵ نیز این حق یکی از راههای پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان شناخته شده است که برپایه آن، نه تنها به بزه‌دیده باید اجازه داده شود تا دیدگاهها و نگرانیهای خود را در مرحله‌های مناسب فرایند جنایی بدون لطمه زدن به حقوق متهم و زمانی که در منافع شخصی اش مؤثر است بیان کند، بلکه این دیدگاهها و نگرانیها باید هماهنگ با نظام عدالت جنایی مربوط مورد رسیدگی قرار گیرد (پاراگراف ۶ ب).

یکی از ترتیباتی که نظامهای حقوقی گونه‌گون برای اجرای این حق آشکار به کار می‌بندند، بهره‌گیری از فرمهای اظهارات بزه‌دیده درباره آثار جرم بر خورد^۳ است که برپایه آن، بزه‌دیده می‌تواند گزارش کاملی از آثار جرم روی داده بر خود را تنظیم و به دادگاه ارائه کند. این گزارش ممکن است کتبی یا شفاهی باشد و در هر صورت باید اطلاعات و خدمات کافی و مناسبی برای دادن این گزارش در اختیار بزه‌دیده قرار گیرد.^۴

۳. آگاه‌سازی بزه‌دیده از حقوق خود

آگاه‌سازی یا اطلاع‌رسانی یکی از آشکارترین حقوق بزه‌دیده و یکی از مهمترین راههای پاسخگویی به نیازهای اوست. با توجه به گونه‌گونی مرحله‌های فرایند جنایی و نقش و جایگاه

۱. نک: پاراگراف سوم اعلامیه ۱۹۸۵.

2. *Handbook on Justice for Victims on the Use and Application of the Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*. p.9.

3. victim impact statements.

4. Ibid: p.21.

حساس بزه‌دیده در آن،^۱ این آگاه‌سازی جنبه‌های گونه‌گونی به خود می‌گیرد؛ به طوری که می‌توان از اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان درباره نقش و قلمرو خود، زمان‌بندی و روند رسیدگیها و وضعیت پرونده‌های خود - بویژه در مورد جریمه‌های شدید و زمانی که چنین اطلاعاتی را درخواست کرده باشند - سخن گفت (پاراگراف ۶ - الف اعلامیه ۱۹۸۵).

اطلاع‌رسانی درباره روند تحقیقات جنایی جنبه دیگری از آگاه‌سازی بزه‌دیدگان است که در صورت درخواست بزه‌دیده باید انجام شود؛ مگر آنکه روند تحقیقات را با خطر یا مشکلی رویه‌رو سازد که در این صورت باید از انجام آن پرهیز کرد.^۲

نکته بسیار مهم درباره آگاه‌سازی بزه‌دیدگان این است که اطلاعات درخواست شده باید با روشهایی مانند انتشار جزوه، پوستر، بروشور یا به کمک شبکه‌های رایانه‌ای (پایگاههای اینترنتی) در اختیار آنان قرار گیرد. بر همین پایه، بسیاری از کشورها (مانند برزیل، فرانسه و نیجریه) و سازمانهای داوطلب به انتشار کتابها یا بروشورهایی پرداخته‌اند که مطالب اصلی آیین دادرسی را دربرداشته، حقوق و تعهدهای بزه‌دیدگان را توصیف می‌کنند. پاره‌ای از کشورها (مانند انگلستان) نیز در جستجوی تضمین این موضوع‌اند که مأموران قضایی و اجرایی اطلاعات به موقعی را درباره آیین دادرسی و پرونده در اختیار بزه‌دیدگان بگذارند.^۳

۴. فراهم کردن ساز و کارهای جبران^۴

چنانچه بزوروی داده افزون بر برهم زدن نظم عمومی به زیان دیدگی بزه‌دیده بینجامد، وی می‌تواند نسبت به جبران و ترمیم این زیان دیدگی اقدام کند. این جبران، برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان وارد شده، پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده به دنبال بزه‌دیدگی به آن دچار شده، و فراهم کردن خدمات و ترمیم حقوق بزه‌دیده را در بر می‌گیرد که اصولاً به دوش بزه‌کار یا دیگر اشخاصی است که پاسخگوی رفتار بزه‌کارند و از آن به «جبران خسارت»^۵

۱. به طور کلی، پنج مرحله مهم برای یک فرایند جنایی می‌توان برشمرد:

۱. مرحله کشف جرم به دنبال اعلام جرم یا شکایت بزه‌دیده؛ ۲. مرحله آغاز پیگرد کیفری؛ ۳. مرحله

تحقیقات جنایی؛ ۴. مرحله دادرسی و صدور رأی؛ ۵. مرحله اجرای حکم.

همچنین، درباره نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند جنایی نک: مهرداد رایجیان اصلی. بزه‌دیده در فرایند کیفری.

2. Ibid:pp.8-9.

3. Guide for Policy Makers: P. 21.

4. remedy/redress/repairation.

5. restitution.

یاد می‌شود. (پاراگراف ۸/ اعلامیه ۱۹۸۵). ولی، چنانچه این خسارت را بزه‌کار یا دیگر منابع (مانند بیمه خصوصی) به طور کامل پرداخت نکنند، دولتها باید تلاش کنند تا به بزه‌دیدگان غرامت^۱ پرداخت کنند (پاراگراف ۱۲/ اعلامیه ۱۹۸۵).

در این میان، جبران خسارت یکی از ابزارهای مهم عدالت جنایی است که از آن باید برای فراهم کردن یک شیوه جبرانی برای پاره‌ای از آسیبهای وارد بر بزه‌دیده و نیز شیوه‌ای برای پاسخگو ساختن بزه‌کار بهره‌گیری کرد. به دیگر سخن، هدف مطلوب جبران خسارت بالا بردن حس پاسخگویی نسبت به بزه‌دیده است. جبران خسارت ممکن است یک تدبیر تنبیهی و نیز یک راه چاره مالی مؤثر باشد. اگر از جبران خسارت به منزله یک تدبیر تنبیهی (کیفر) بهره‌گیری شود، باید از منابع مالی بزه‌کار (به شکل پول یا خدمت) برداشت شود و نیز باید بخشی از حکم دادگاه کیفری باشد که با تعیین تکلیف پرونده پیوند می‌خورد.^۲

وانگهی، در برخی از گونه‌های بزه‌دیدگی، بویژه هنگامی که بزه‌دیده و بزه‌کار رابطه اجتماعی از پیش موجود دارند، پرهیز از تأثیر احتمالی بدنام‌کننده پیگرد کیفری یا حکم رسمی دادگاه می‌تواند برای هر دوی آنان سودمند باشد.^۳ در چنین مواردی، برای آسان کردن جبران خسارت از بزه‌دیدگان، باید از سازوکارهای حل اختلاف - مانند سازش و میانجیگری، داوری... - بهره‌گیری کرد (پاراگراف ۷/ اعلامیه ۱۹۸۵). بر همین پایه، یکی از حقوق بزه‌دیدگان این است که افزون بر دسترسی به سازوکارهای جبران خسارت، باید از حقوق خود در این زمینه نیز آگاه شوند. به همین جهت، برای توانمندسازی آنان در دستیابی به جبران خسارت از راه شیوه‌های رسمی یا نارسمی فوری، منصفانه، ارزان و دست‌یافتنی، باید در صورت لزوم سازوکارهای قضایی و اجرایی برای این جبران خسارت را فراهم و تقویت کرد (پاراگراف ۵/ اعلامیه ۱۹۸۵). گذشته از سازوکارهای رسمی جبران خسارت، درباره لزوم به کارگیری سازوکارهای نارسمی جبران خسارت (مانند میانجیگری و داوری) نیز باید گفت که در جهان امروز گرایش فزاینده‌ای به بهره‌گیری از این روشها در چارچوب یک الگوی عدالت ترمیمی^۴ دیده می‌شود. سرانجام، درباره پرداخت غرامت دولتی یا عمومی دست‌کم دو حالت را می‌توان تصور کرد: نخست، چنانچه خسارت را بزه‌کار یا دیگر منابع (مانند بیمه خصوصی) پرداخت نکنند،

1. compensation.

2. *Handbook on Justice for Victims...*: p.44.

3. *Ibid.*p.41.

4. restorative justice.

دولت‌ها باید تلاش کنند تا به بزه‌دیدگان غرامت بپردازند. این همان حالتی است که در پاراگراف ۱۲ اعلامیه ۱۹۸۵ پیش‌بینی شده است. اشخاصی که در این پاراگراف شایسته دریافت چنین غرامتی دانسته شده‌اند، خانواده‌ها، وابستگان و خود بزه‌دیدگانی‌اند که به دنبال ارتکاب جرم‌های شدید به آسیب بدنی یا روانی دچار گشته‌اند. تأکید پاراگراف ۱۲ بر این بزه‌دیدگان از کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار (۱۹۸۳ - شورای اروپا)^۱ سرچشمه می‌گیرد که دولتهای عضو آن بیشترین نقش را در پدید آوردن اعلامیه ۱۹۸۵ داشتند. در دیباچه این کنوانسیون، ایجاد یا گسترش طرح‌های پرداخت غرامت دولتی به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار - بویژه هنگامی که بزه‌کار شناسایی نشده یا توانایی مالی ندارد - ضروری دانسته شده است. به دنبال این تلاش‌های منطقه‌ای و جهانی، امروزه شمار کشورهایی که پرداخت غرامت دولتی به بزه‌دیدگان را مجاز می‌شمارند، رو به فزونی است.^۲

دوم، اگر دولت متبوع بزه‌دیده در موقعیتی نباشد که بتواند برای آسیب وارد شده به بزه‌دیده غرامت پرداخت کند، جبران چنین آسیبهایی را باید با راه‌اندازی، تقویت و گسترش صندوق‌های ملی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان تضمین کرد (پاراگراف ۱۳ اعلامیه ۱۹۸۵). بر همین پایه، پاره‌ای از کشورها به تأمین بودجه طرح‌های پرداخت غرامت دولتی از رهگذر جزای نقدی، اضافه مالیات شهروندی، دارایی‌های توقیف شده از بزه‌کار یا اضافه نرخ طرح‌های بیمه خصوصی می‌پردازند. برخی از کشورها نیز برای جلب مشارکت در سهم شدن در چنین منابعی معافیت‌های مالیاتی برای نیکوکاران پیش‌بینی می‌کنند.^۳

۵. تأمین امنیت

یکی دیگر از حقوق بزه‌دیده تأمین امنیت وی و گواهان او در فرایند جنایی است. به همین منظور، باید تدابیری برای کاهش گرفتاری‌ها و دردهای بزه‌دیدگان، حمایت از زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت، و تضمین امنیت خود و خانواده‌شان و گواهان آنان در برابر تهدید و انتقام‌اندیشی درباره این تدابیر یکی دیگر از راه‌های پاسخگویی به

۱. برای دیدن این کنوانسیون، نک: مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، صص ۱۴۷ تا ۱۵۹.

۲. برای نمونه، می‌توان از نیوزیلند، فنلاند و فرانسه نام برد. برای آگاهی بیشتر، نک: مهرداد رایجیان اصلی؛ بزه‌دیده در فرایند کیفری؛ صص ۱۵۴ و بعد؛ و نیز Handbook on Justice for Victims, p.44.

3. Guide for Policy Makers, p. 27.

نیازهای بزه‌دیدگان انگاشته می‌شود (پاراگراف ۶-ت اعلامیه ۱۹۸۵). تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان دست‌کم نیازمند سه مؤلف زیر است.

۵-۱. حمایت از بزه‌دیده در رویارویی با متهم

تا آنجا که ممکن است، باید از رویارویی اجباری بزه‌دیده یا گواهان او با متهم در فرایند جنایی جلوگیری کرد. در غیر این صورت، هنگام رویارویی باید از آنان حمایت و مراقبت کرد. این حمایت از آسیبهای احتمالی به بزه‌دیده پیشگیری می‌کند و بویژه برای بزه‌دیدگانی که دارای ارتباط خانوادگی یا دوستی با متهم‌اند، بسیار اهمیت دارد.^۱ به همین منظور، می‌توان اتاقهای ویژه‌ای برای انتظار بزه‌دیدگان و گواهان پیش‌بینی کرد یا راههای خروجی مناسبی برای آنان در ساختمان دادگاه در نظر گرفت که جامه عمل پوشاندن به آنها به دوش دستگاه قضایی است.^۲

۵-۲. حمایت از بزه‌دیده در برابر متهم

تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان نه تنها در گروه پیش‌بینی تدابیری برای جلوگیری از ورود آسیبهای احتمالی هنگام رویارویی با متهم است، بلکه فراتر از آن در بردارنده تدابیری برای پیشگیری از تهدیدها یا اقدامهای تلافی‌جویانه متهم یا خانواده و دوستان اوست.^۳ از آنجا که این تهدیدها یا اقدامهای تلافی‌جویانه در بزه‌دیدگان و گواهان احساس ناامنی ایجاد می‌کند، ظابطان دادگستری - و در رأس آنها نیروی انتظامی - موظفند همه تدابیر لازم را برای ایجاد احساس امنیت در بزه‌دیدگان و گواهان در برابر متهم و وابستگان او به کار بندند.^۴

۵-۳. حمایت از هویت بزه‌دیده

مرحله‌های گوناگون فرایند جنایی باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدامهای تلافی‌جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حمایت از زندگی خصوصی وی در او احساس امنیت ایجاد کند. به همین منظور، نام، آدرس اقامتگاه، محل کار، شماره تلفن و دیگر

1. *Charter of Victims Rights Resource Kit*:p.14.

2. *Ibid*:p.15.

3. *Ibid*:p.16.

4. *Ibid*:p.16.

مشخصات بزه‌دیده را نباید فاش کرد و هرگونه تصمیمی در این باره را باید به دادگاه سپرد.^۱ فراتر از تدابیری که برای تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان در برابر تهدیدها یا اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم وجود دارد، چاره‌اندیشی درباره تدابیری برای کاهش گرفتاریها و دردهای بزه‌دیدگان نیز بسیار اهمیت دارد و در ردیف تدابیر تأمین‌کننده امنیت بزه‌دیدگان می‌گنجد. بسیاری از کشورها بر همین پایه به تلاشهایی دست زده‌اند که گسترش رهنمودهایی درباره بازجویی پلیسی، زمان‌بندی و ترتیب رسیدگی در دادگاه از آن جمله‌اند.^۲

۶. کمک‌رسانی مناسب

کمک‌رسانی به بزه‌دیده جنبه‌های گونه‌گونی دارد که کمک مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی برجسته‌ترین گونه‌های آن است (پاراگراف ۱۴/ اعلامیه ۱۹۸۵) هدف این خدمات‌رسانی عبارت است از کمک به بزه‌دیدگان برای مقابله با آسیب عاطفی، مشارکت در فرآیند عدالت جنایی برای به دست آوردن جبران خسارت و مقابله با دشواریهای بزه‌دیدگی.^۳ در این میان، نباید از نقش مهم بزه‌دیدگان در به حرکت درآوردن چرخهای فرآیند عدالت جنایی غافل ماند. این موضوع تا آن اندازه اهمیت دارد که می‌توان گفت بدون مشارکت بزه‌دیده این چرخها از حرکت باز می‌ایستند. نقش بزه‌دیده در فرآیند جنایی ممکن است به گزارش جرم ارتكابی یا گردآوری و ارائه دلایل آن مربوط باشد، همچنان که ممکن است در چارچوب ابتکاری که قانونگذار معمولاً در جرمهای قابل گذشت برای او به رسمیت می‌شناسد، معنا پیدا کند. نقش مشارکت‌جویانه بزه‌دیدگان در فرآیند عدالت جنایی برپایه این اندیشه استوار است که جرم اصولاً باید به منزله یک مسأله خصوصی میان بزه‌دیده و بزه‌کار نگریسته شود و از این رو، برای حل و فصل بهتر این اختلاف و دستیابی به بهترین تصمیم، باید به بزه‌دیده برای مشارکت در این فرآیند فرصت مناسب داده شود.

تحقق این کمک‌رسانی در گرو دستیابی به یک سیاست جنایی مشارکتی است که خود نیازمند همکاری، هماهنگی و تعامل نهادهای رسمی و نارسمی - بویژه، مشارکت نظام عدالت جنایی و ظرفیتهای موجود جامعه‌مدنی - است. بدین ترتیب، در کنار یک سیاست جنایی

1. Ibid:pp.16-17.

2. *Guide for Policy Makers*:p.22.

3. *Handbook on Justice for Victims*...:p.11.

سنجیده، کارآمد و منسجم در چهار سطح تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی، می‌توان یک الگوی چندگانه مطلوب حمایتی در چارچوب آن ترسیم کرد که بررسی آن موضوع بخش پایانی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

پ- حمایت از بزه‌دیدگان

به طور کلی، از دیدگاه سیاست جنایی، دولت در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی در کنار جامعه مدنی در یک سطح مشارکتی می‌توانند به حمایت از بزه‌دیدگان جامه عمل بپوشانند. به دیگر سخن، می‌توان گفت که حمایت از بزه‌دیدگان از رهگذر پیشگیری از بزه‌دیدگی جلوه‌ای از کنترل و پاسخ به پدیده مجرمانه در تعریف سیاست جنایی است. هر یک از سطحهای این سیاست جنایی نمایانگر جلوه خاصی از یک الگوی حمایتی است که برای مؤلفه‌های آن دست‌کم شش گونه می‌توان در نظر گرفت.

۱. حمایت کیفری

حمایت کیفری از رهگذر ساز و کاری به نام «جرم‌انگاری» متداول‌ترین و سنتی‌ترین گونه حمایت از بزه‌دیدگان در چارچوب سیاست جنایی تقنینی شناخته می‌شود که در ساده‌ترین شکل نیازمند پیش‌بینی یک ضمانت اجرای مشخص - و معمولاً «کیفری» - است. به دیگر سخن، می‌توان گفت که قوانین کیفری در کنار نقش پیشگیرانه‌ای که در چارچوب بازدارندگی فردی و جمعی دارند، نقش حمایتی از رهگذر پیشگیری از بزه‌دیدگی را نیز به دوش می‌کشند.

وانگهی، گاهی ممکن است با تشدید ضمانت اجراها به این حمایت کیفری جامه عمل پوشانده شود. در این موارد، قانونگذار با تأکید بر شخصیت بزه‌دیده، حمایت کیفری از او را دنبال می‌کند. در اینجا، آسیب‌پذیری برخی از اشخاص مانند زنان و کودکان به دلایلی همچون جنس و سن، آنان را بیش از دیگران شایسته توجه و حمایت ویژه می‌سازد. همچنین، حمایت کیفری ممکن است با جرم‌انگاری ویژه برپایه وضعیت آسیب‌شناسانه بزه‌دیدگان خاص (همچون زنان، کودکان، سالمندان و ناتوانان بزه‌دیده) به یک حمایت افتراقی بینجامد. همچنان که ممکن است قانونگذار در کنار ضمانت اجرای کیفری با پیش‌بینی سازوکارها یا ضمانت اجراهای دیگری - برای نمونه، از نوع مدنی، اداری، انضباطی و مانند آن - به حمایت از بزه‌دیده جامه عمل بپوشاند.

۲. حمایت مالی

یکی از ساده‌ترین و شاید برجسته‌ترین گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان حمایت مالی از راه‌هایی مانند برگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه‌هایی است که بزه‌دیده به دنبال رویداد جرم متحمل شده است و از آن معمولاً به جبران خسارت^۱ و پرداخت غرامت^۲ یاد می‌شود. به طور کلی، حمایت مالی ممکن است به دنبال آسیب برخاسته از جرم به داراییهای بزه‌دیده ضرورت پیدا کند؛^۳ همچنان که ممکن است در پی آسیبهای بدنی یا روانی وارد به بزه‌دیده مصداق یابد. ولی، درباره جبران آسیبهای عاطفی گرایش برتری که به چشم می‌خورد، برآورد ناپذیری مطلق مالی آنهاست. به همین جهت، بسیاری از کشورها اگرچه جبران آسیبهای روانی را در کنار جبران آسیبهای بدنی پذیرفته‌اند، ولی به ترمیم آسیبهای عاطفی نپرداخته‌اند.^۴ البته، در این میان، کشورهایی را نیز می‌توان یافت که حق جبران خسارت مادی را در برابر آسیبهای عاطفی نیز مجاز می‌شمارند.^۵

۳. حمایت پزشکی

چون پاره‌ای از جرماً به آسیب بدنی یا روانی بزه‌دیده می‌انجامد، درمان پزشکی این آسیب‌ها برجسته‌ترین و ضروری‌ترین گونه حمایت از چنین بزه‌دیدگانی شناخته می‌شود. حمایت پزشکی ممکن است در درمان‌های فوری (اورژانسی) ضرورت پیدا کند. در این صورت، دریافت گواهی پزشکی برای پیگیری‌های قضایی بعدی بسیار اهمیت دارد. همچنین، این حمایت ممکن است به شکل درمان‌های عادی یا درمان پزشکی عمومی باشد. این درمانها، بویژه در خشونت‌های خانگی و در مواردی مانند کودک‌آزاری بسیار اهمیت دارد. سرانجام، حمایت پزشکی - در چارچوب درمان فوری یا درمان عادی - نه تنها آسیبهای بدنی برآمده از جرم، بلکه آسیبهای روانی برخاسته از جرم را نیز پوشش می‌دهد.

1. restitution.

2. compensation.

۳. تعبیر اعلامیه ۱۹۸۵ از این آسیبها عبارت «زیان اقتصادی» (economic loss) است که با توجه به معنای واژه «اقتصاد» در زبان پارسی واژه «مال» و تعبیر «مالی» برای رساندن این مفهوم بهتر دانسته شد. درباره تفاوت‌های این دو واژه و تعبیر، نک: فرهنگ فشرده سخن؛ صص ۱۸۰ - ۱۸۱ و ۲۰۳۷.

۴. برای نمونه می‌توان از فنلاند نام برد. نک: *Guide for Policy Makers*. p.15.

۵. برای نمونه، می‌توان از سوئد و انگلستان نام برد. نک: *Ibid*: P.24.

۴. حمایت عاطفی و حیثیتی

هر جرمی گذشته از خسارتهای مادی، آزردهی خاطر بزه‌دیده را نیز به همراه دارد. این آزردهی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات فرد یا حیثیت شخص بر می‌خیزد و در جرمهای مختلف بازتابهای گونه‌گون دارد، «درد و رنج عاطفی و حیثیتی» نامیده می‌شود. درد و رنج عاطفی یعنی تأثیرپذیری یا واکنش روانی بزه‌دیده که در برخورد با امری بیرونی به نام «جرم» در او پدید می‌آید و ممکن است به شکل ترس، خشم، کینه و مانند آن جلوه‌گر شود. واکنشهای نام برده معمولاً جزو تأثیرپذیری‌های آغازین از جرم دانسته می‌شوند که پس از رویداد جنایی بی‌درنگ نمایان شده، به روشنی اثبات پذیرند.^۱

از آنجا که تأثیرپذیری بزه‌دیدگان از جرم و واکنشهای آنان در برابر آن بسیار در نوسان و گونه‌گون است،^۲ توقف درد و رنج عاطفی برخاسته از جرم در بزه‌دیده یا گسترش آن به حالت‌های حادث‌تر، به این نوسانها و دگرگونیها بستگی دارد. در اینجا است که درد و رنج عاطفی ممکن است به یک آسیب یا بیماری روانی نیازمند درمان بینجامد. به دیگر سخن، اگر فشار برخاسته از ضربه روانی مجرمانه به اندازه‌ای باشد که با یک واکنش روانی بزه‌دیده را رها نکند، درد و رنج عاطفی به یک آسیب یا بیماری روانی تبدیل می‌شود.^۳

در این میان، از آنجا که این تعبیر را درباره اشخاص حقوقی بزه‌دیده نمی‌توان به کار برد، مناسبترین تعبیر درباره این اشخاص اصطلاح «آسیب یا زیان حیثیتی» خواهد بود؛ «حیثیت» در این تعبیر یعنی یک ارزش و اعتبار اجتماعی که سربلندی و خوش‌نامی شخص را موجب می‌شود.^۴

در این میان، حمایت عاطفی کمک‌های روان‌شناسانه‌ای است که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیدگان انجام می‌شود و پیش از هر چیز نقش روان‌شناسان و روان‌کاوان در آن برجسته است. حمایت عاطفی از بزه‌دیدگان را می‌توان از رهگذر مراکز خصوصی روان‌درمانی بهره‌مند از روان‌شناسان متخصص تضمین کرد.^۵ همچنین، حمایت عاطفی را ممکن است کسانی انجام

1. *Handbook on Justice for Victims...*:p.6.

۲. درباره گستره و گونه‌های واکنشهای روانی بزه‌دیدگان در برابر جرم، نک: Ibid:P.6-8.

۳. درباره پیامدهای درد و رنج‌های عاطفی دگرگون شده به آسیب‌های روانی، نک: لیز، ژرار، و ژینا فیلیزولا: منبع

پیشین؛ صص ۱۰۱ - ۱۰۸. ۴. حسن انوری. منبع پیشین؛ ص ۸۸۲.

۵. لیز، ژرار، و ژینا فیلیزولا: منبع پیشین؛ ص ۱۳۰.

دهند که خود بیشتر بزه‌دیده بوده‌اند. به همین منظور، در کشورهایی که جامعه مدنی ارزش و بهای واقعی خود را یافته است، بزه‌دیدگانِ دیروز با راه‌اندازی «انجمنهای کمک به بزه‌دیدگان» همواره این امکان را می‌یابند که پشتیبان عاطفی بزه‌دیدگان امروز باشند. در کنار نقش انجمنهای مردمی در حمایت عاطفی از بزه‌دیدگان، همکاری روان‌شناسان با مراکز پزشکی قانونی را جلوه دیگری از یک سیاست جنایی مشارکتی در این زمینه می‌توان ارزیابی کرد.

۵. حمایت حقوقی

حمایت حقوقی عبارت است از پیش‌بینی ساز و کارهایی برای احقاق این حقوق و برآورده کردن نیازهای بزه‌دیدگان بویژه جبران خسارت یا تسهیل آن در سراسر فرایند جنایی. از آنجا که این حقوق معمولاً در قوانین آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته می‌شوند، از آنها می‌توان به «سازوکارهای مبتنی بر آیین دادرسی»^۱ نیز یاد کرد. تدابیری مانند حق داشتن وکیل در سراسر فرایند جنایی، حق طرح دعوی ضرر و زیان و پیش‌بینی شرایط آن، حق درخواست پژوهش از دعوی ضرر و زیان، معاف دانستن بزه‌دیده از هزینه‌های دادرسی در صورت ناتوانی وی از پرداخت آنها، نمونه‌های برجسته‌ای از حمایت حقوقی به شمار می‌آیند که معمولاً در قوانین آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی می‌شوند.

۶. حمایت اجتماعی

ریشه‌های حمایت اجتماعی از بزه‌دیدگان را باید در تحولات نیمه دوم سده بیستم در عرصه حقوق بشر جستجو کرد. حمایت اجتماعی پیش از هر چیز از رهگذر انجمنها یا نهادهایی جامعه عمل می‌پوشد که به ابتکار خود بزه‌دیدگان راه‌اندازی شده یا برخی از نهادهای رسمی یا وزارتخانه‌ها آنها را راه‌اندازی می‌کنند.

همچنین، در کشورهایی که تشکلهای مردمی یا جنبشهای سیاسی - اجتماعی مجال خودنمایی پیدا می‌کنند، این تشکلهای یا جنبشها با راه‌اندازی انجمنهای خاصی به حمایت از بزه‌دیدگان می‌پردازند.^۲

در کنار انجمنهای مردمی و برخاسته از جامعه مدنی، حمایت اجتماعی ممکن است از رهگذر نهادهای رسمی (دولتی) جامعه عمل ببوشد. براین پایه، برخی از وزارتخانه‌های دولتی

1. procedural mechanisms.

۲. برای نمونه، می‌توان از انجمنهای فمینیستی در فرانسه نام برد. نک: همان، ص ۱۳۲.

یا دستگاه قضایی با راه‌اندازی انجمنها یا صندوقهای دولتی جبران خسارت، برای هموار کردن راه دستیابی بزه‌دیدگان به عدالت گام بر می‌دارند. برای نمونه، وزارت دادگستری فرانسه با راه‌اندازی «دفتر حمایت از بزه‌دیدگان» در سال ۱۹۸۲، به ایجاد نزدیک به ۱۵۰ انجمن حمایتی در این کشور کمک کرده است.^۱ وظیفه این انجمنها اطلاع‌رسانی مناسب به بزه‌دیدگان در سراسر فرایند جنایی، کمک مالی در زمانهای ضروری و حتی کمک عاطفی به آنان است و بدین ترتیب، حمایت اجتماعی در اینجا نیز حمایتهای حقوقی، مالی و عاطفی را در پوشش خود می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

چندگانگی لایه‌های سیاست جنایی بزه‌دیده مدار به ترسیم یک الگوی چندگانه حمایتی می‌انجامد که سنگ‌بنای آن را «سیاست جنایی تقنینی» از رهگذر تصویب قوانین و مقرراتی ویژه برای حمایت از بزه‌دیدگان تشکیل می‌دهد. سیاستگذاران می‌توانند برای محکمتر ساختن ستونهای این بنا، اصول کلی قانونگذاری درباره بزه‌دیدگان را در قانون اساسی مشخص کنند. قوانینی که به پشتوانه اصول قانون اساسی تصویب می‌شوند، حمایت از شهروندان را بهتر تأمین می‌کنند و این موضوع درباره حمایت از بزه‌دیدگان نیز بی‌گمان درست است. هرچه قوانین حمایتی و ویژه برای بزه‌دیدگان کم‌نقص‌تر و بیشتر در دسترس باشند، دستگاه قضایی نیز بهتر می‌تواند با اجرای آنها حقوق بزه‌دیدگان را در چارچوب یک سیاست جنایی قضایی احقاق کند. وانگهی، دادرسان به منزله نماد دستگاه قضایی نیز می‌توانند هرگاه قوانین موجود را برای حمایت از بزه‌دیدگان کافی و راهگشا نیافتند، با بهره‌گیری از اختیارات قضایی خویش به احقاق حقوق بزه‌دیدگان در چارچوب یک سیاست جنایی قضایی همت گمارند. ولی، همت دستگاه قضایی بدون کمک بازوان اجرایی یا همان ضابطان دادگستری - بویژه، پلیس یا نیروی انتظامی - اثرگذار نخواهد بود. نکته جالب توجهی که در اینجا باید یادآوری کرد، این است که در برآورده کردن بنیادی‌ترین حق انسانی بزه‌دیدگان، یعنی احترام به منزلت بزه‌دیده، پلیس است که در بیشتر موارد کلیدی‌ترین نقش را دارد. از این رو، چگونگی عملکرد پلیس و دیگر ضابطان دادگستری در حمایت از بزه‌دیدگان فصلی مستقل در سیاستگذارها زیر عنوان سیاست جنایی اجرایی بزه‌دیده‌مدار می‌گشاید. سرانجام، از آنجا که دولت فقط با اتکا بر بازوان تقنینی، قضایی و اجرایی

خود نمی‌تواند به حمایت از بزه‌دیدگان جامعه عمل بپوشاند، تضمین این موفقیت در گرو همکاری و مشارکت جامعه مدنی با دولت در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی است. جامعه مدنی نه تنها می‌تواند ملاک‌های داخلی (اجتماعی - فرهنگی) و بین‌المللی (منطقه‌ای - جهانی) را برای حمایت از بزه‌دیدگان به سیاستگذاران جنایی و دست‌اندرکاران عدالت جنایی بنمایاند، بلکه در مواردی که ساز و کارها و پاسخ‌های رسمی برای احقاق حقوق بزه‌دیدگان کافی نیست، می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود (همچون نهادها یا سازمان‌های مردمی و غیر دولتی) ابتکار عمل حمایت از بزه‌دیدگان را به دست گیرد.

فهرست منابع

- فارسی

- امیر ارجمند، اردشیر (زیر نظر): مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ج ۱، قسمت اول، اسناد جهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۸۱.
- انوری، حسن: فرهنگ فشرده سخن؛ دو جلدی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران ۱۳۸۲.
- خاکپور، محمد مهدی: جرم‌شناسی زنان، موسسه مطبوعاتی عطائی، تهران ۱۳۵۴.
- رایجیان اصلی، مهرداد: بزه‌دیده در فرایند کیفری، چاپ اول، انتشارات خط سوم، تهران ۱۳۸۱.
- رایجیان اصلی، مهرداد: بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- رایجیان اصلی، مهرداد: «موقعیت اطفال بزه‌کار - بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران»؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، قوه قضائیه، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۱.
- زهر، هوار: عدالت ترمیمی (کتاب کوچک)، ترجمه حسین غلامی، انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۳.
- عباچی، مریم: حقوق کیفری اطفال (در اسناد سازمان ملل متحد)، انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۰.
- علی‌آبادی، عبدالحسین: حقوق جنایی، جلد اول، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۵۳.
- کمالی، محمد و فریبا ایران: «مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، فصلنامه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۷، سال دوم، بهار ۱۳۸۲.
- کوشا، جعفر: جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، تهران ۱۳۸۱.
- لپز، ژرار و ژینا فیلیزولا: بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد

محمدی، انتشارات مجد، تهران ۱۳۷۹.

- مرتضوی، نسرین: بزه‌دیده‌شناسی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۶.

- بزه‌دیده‌شناسی زنان، نشریه امنیت، وزارت کشور، شماره ۳، ۱۳۷۶.

- مرکز مطبوعات و انتشارات (گردآورنده): مأوی (نشریه داخلی قوه قضائیه): معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، دو جلد، ۱۳۸۳.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی؛ مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (الهیات و حقوق)، سال سوم، شماره نهم و دهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

- انگلیسی

- *Guide for Policy Makers on the Implementation of the UN Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*, UN ODCCP, Centre for International Crime Prevention, New York. 1999.

- Miyazawa, K. and Fuller Cook(s); *Victimization of Elderly Person in Japan*; in: Victims and Criminal Justice, Criminological Research Report by the Max-Planck Institute, vol. 52/1, Freiburg.i. Br. 1991.

- Spineliss, C.D. and Pitsiou - Darrough, *Elder Abuse in Greece: A Descriptive Study*; in: Victims and Criminal Justice, Criminological Research Report by the Max - Planck Institute, vol. 52/1, 1991.

- *A Review of the Victims Charter*, Attorney General, Lord Home Office, February 2001.

- Lawlink: NSW; *Charter of Victims Rights Resource Kit*; most recently Chancellor Updated 24 May 2004, file://A:/3.HTM.

- *Handbook of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*, UNODCCP, Centre for International Crimr Prevention, New York, 1999.